

حقوق تجارت بین‌المللی

شرکت‌های فراملیتی و حقوق مصرف‌کنندگان

بررسی مسائل حقوقی و اخلاقی اقدامات شرکت‌های چندملیتی در بخش سلامت

تحقیق و پژوهش:

دکتر بهزاد نجفی

سرشناسه	نجفی، بهزاد، ۱۳۴۲ -
عنوان و پدیدآور	شرکت های فراملیتی و حقوق مصرف کنندگان: بررسی مسائل حقوقی و اخلاقی اقدامات شرکت های چندملیتی در بخش سلامت / تحقیق و پژوهش بهزاد نجفی
مشخصات نشر	تیریز: اختر، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری	۳۷۸ ص.:
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۰۸۹-۷:
یادداشت عنوانهای مرتبط: بالای عنوان: حقوق تجارت بین المللی	
موضوع	شرکتهای چند ملیتی
موضوع	مصرف کنندگان - - حمایت - - قوانین و مقررات.
موضوع	شرکتهای چند ملیتی - مدیریت.
رده بندی کنگره	۴ش۳/ن۳/۵/HD۲۷۵۵
رده بندی دیویی	۳۳۸/۸۸۸۱۷۲۲
شماره کتابخانه ملی	۱۰۲۹۸۳۰



نشر اختر

شرکت های فراملیتی و حقوق مصرف کنندگان

تحقیق و پژوهش: دکتر بهزاد نجفی

تیراژ: ۱۵۰۰ جلد / چاپ اول ۱۳۸۶

۳۷۶ صفحه، وزیری / قیمت: ۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۰۸۹-۷

تلفن: ۰۹۱۴۱۲۳۱۱۰۶ و ۰۴۲۳-۲۲۴۲۵۵۸

فهرست عناوین

۷	مقدمه
۱۳	فصل اول: آشنایی با خصوصیات و ویژگیهای شرکت‌های چند ملیتی
۲۴	- نگاهی کلی بر تأثیر شرکت‌های فراملیتی بر توسعه اجتماعی و فرهنگی
۲۶	- شناسایی ویژگیهای کلی شرکت‌های چند ملیتی
۳۳	- سابقه تاریخی شرکت‌های چند ملیتی
۳۵	- شرایط لازم برای تشکیل شرکت‌های چند ملیتی
۳۷	- سیاست‌های تمرکزی
۴۱	- انگیزه و روابط با جهان سوم
۴۴	- غولهای جهانی
۵۷	- جهان سوم
۶۵	فصل دوم: خصوصیات کشورهای در حال توسعه
۸۲	- جهانی سازی
۸۹	فصل سوم: شرکت‌های چند ملیتی و الگوهای مصرف
۹۰	- مقدمه
۹۲	- ایجاد الگوهای مصرف و فرهنگ پذیری
۹۴	- مکانیزم‌ها و نمونه‌هایی از برون گرایی
۹۸	- حقوق مصرف کنندگان
۱۰۷	- رویارویی مدیریتی غول صنایع غذایی دنیا و حقوق مصرف کنندگان
۱۱۸	- سوء محاسبه برنامه ریزی در کوکا کولا
۱۲۴	- مک دونالد، نمونه کامل کنترل‌ها
۱۲۷	فصل چهارم: حقوق شرکت‌های چند ملیتی
۱۲۹	- منابع حقوق چند ملیتی
۱۳۴	- نظریه اعمال قانون کشور قاضی

۱۳۸	- تابعیت موثر در شرکت‌های چند ملیتی
۱۴۹	فصل پنجم: شرکت‌های چند ملیتی داروسازی و اقتصاد جهانی دارو
۱۵۰	- مقدمه
۱۵۳	- تحقیق و توسعه در صنایع داروسازی
۱۵۵	- ضوابط حاکم بر تولید دارو
۱۵۶	- وضعیت داروسازی در کشورهای جهان سوم
۱۵۹	- طرح ژنریک
۱۶۰	- حق امتیاز و انحصار دارو
۱۶۴	- صنعت داروسازی به مثابه یک تأمین‌کننده دارو
۱۸۰	- بیگ فارماها و رعایت مسائل اخلاقی از سوی شرکت‌های دارویی
۱۸۹	- موافقت‌نامه جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق معنوی (تریس)
۱۹۳	فصل ششم: بررسی مسائل حقوقی و اخلاقی، مطالعات بالینی در شرکت‌های داروسازی
۱۹۴	- حقوق سلامت
۲۰۷	- مدیریت در شرکت‌های چند ملیتی داروسازی
۲۲۶	- مدیریت اطلاعات در شرکت‌های صنایع داروسازی
۲۳۳	- نظام نظارت بر دارو
۲۴۸	- عوامل ارزیابی مدیران فراملیتی و جهانی
۲۶۶	- شناخت استدلال‌ات اخلاقی
۲۷۲	- مسائل اخلاقی و حقوقی مطالعات بالینی در داروسازی
۲۸۶	- مروری بر تحقیق و توسعه در بیماری‌های مورد تسامح قرار گرفته
۲۹۰	- بیوزنریک‌ها و توجیه حقوق مصرف‌کنندگان
۲۹۵	فصل هفتم: هدایای بشر دوستانه شرکت‌های چند ملیتی به بخش سلامت
۲۹۶	- قانونمند کردن اعطای هدایا از سوی شرکت‌های دارویی به پزشکان
۳۰۶	- اندیشه‌های بیل گیتس
۳۲۰	- تشویق‌ها و تنبیه‌ها مالی و غیر مالی پزشکان در کشورهای عضو سازمان...
۳۲۵	فصل هشتم: دعوای حقوقی شرکت‌های چند ملیتی داروسازی
۳۲۶	- قضیه دی دیستیلرز و ساندی تایمز
۳۳۰	- اعلام جرم علیه غول داروسازی آمریکا
۳۳۳	- پنهان‌کاری شرکت‌های داروسازی در مورد بی‌اثر بودن داروها
۳۳۵	- دمیدن در آتش هالسیون
۳۳۸	- مرگ در کارخانه مرک
۳۳۹	- نقض حقوق بیماران

- شرکت داروسازی مرک وایدز ۳۴۰
- شکایت شرکت داروسازی اسپانیا بر علیه یک بولتن ۳۴۶
- دردسر بزرگ مرک ۳۴۹
- شرکت GSK و پرداخت رشوه ۳۵۱
- شرکت‌های چندملیتی و محیط زیست ۳۵۴
- فاجعه بوپال ۳۵۹
- وال استریت و کار آزمایشی‌های بالینی ۳۶۲
- فرمول داسون ویل ۳۶۷
- دعوی راجع به شراب انگور سیاه دیژون ۳۶۷
- رسوایی در FDA ۳۷۱
- منابع ۳۷۳

مقدمه

بخشی از ترس کنونی دولتمردان کشورهای در حال توسعه، حضور شرکت های چند ملیتی در آن کشورهاست. این تصور وجود دارد که حضور شرکت های چند ملیتی، علاوه بر تضعیف حاکمیت ملی امکان تولید برند داخلی را از بین می برد. حضور شرکت های چند ملیتی در کشورهای در حال توسعه که به صورت سرمایه گذاری در آن کشورها صورت می گیرد، موجب می شود که عملاً آن کشورها به بازارها و شیوه تولید این شرکت ها دسترسی پیدا کنند و بخشی از تولید هم در کشورهای در حال توسعه صورت گیرد. این مهم زمانی صورت میگیرد که اولاً شرایط سیاسی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، امکان حضور شرکت های فراملیتی را فراهم کند به بیان دیگر شرکت های چند ملیتی زمانی بر اساس مزیت های اقتصادی یک کشور، آن را به عنوان انتخاب اقتصادی برمی گزینند که ریسک سیاسی و اقتصادی آن در حداقل ممکن باشد.

اصطلاح شرکت های فراملیتی (چند ملیتی) برای شرکت هایی که دارای شعبات یا مراکز فروش در سرتاسر دنیا هستند، بکار گرفته می شود و اصطلاح دیگر برای این نوع موسسات تجاری، شرکت جهانی می باشد. امروزه مهمترین عامل سرمایه گذاری مستقیم خارجی شرکت های فراملیتی هستند.

با نگاهی به گذشته، می توان دو دلیل اصلی برای توسعه شرکت های چند ملیتی پیدا نمود. اولاً وقتی که شرکت ها متوجه شدند که بازارهای داخلی آنها اشباع گردیده است، دریافتند که صرفاً از طریق برپایی شعبات خارجی می توان جلب منفعت بیشتر نمود. ثانياً اگر کشوری در مقابل

تولیدات این شرکت‌ها موانع تجاری ایجاد می‌نمود. تنها چاره برای شرکت احداث کارخانه یا سازمان‌های فروش در داخل کشور مربوطه بود.

شرکت‌های چندملیتی را می‌توان از مصادیق بارز سازمان‌های غیردولتی انتفاعی به شمار آورد. این شرکت‌ها نقش بسیار پراهمیتی در زمینه تجارت بین‌الملل و حتی در سیاست بین‌الملل (با تاثیرگذاری و نفوذ در دولت‌ها) ایفا می‌کنند. در حال حاضر بیش از ۳۷ هزار شرکت چندملیتی مادر وجود دارد که ۹۰ درصد آنها در کشورهای توسعه یافته است و نزدیک به ۱۷۰ هزار شرکت خارجی را تحت پوشش خود دارند. این شرکت‌های چندملیتی که ۶۰ درصد در بخش مصنوعات، ۳۷ درصد در بخش خدمات، ۳ درصد در بخش کالاهای اساسی سرمایه‌گذاری کرده‌اند، یک سوم نقدینگی بخش خصوصی جهان را در کنترل خود دارند، میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی این شرکت‌ها نزدیک به ۲ تریلیون (۲۰۰۰ میلیارد) دلار تخمین زده می‌شود که ۳۳ درصد آن به صد شرکت بزرگ چندملیتی تعلق دارد.^{۶۴}

اخیراً پیشرفت اقتصادی سالهای ۱۹۶۰ منجر به رشد سریع سرمایه‌داران جهانی گردیده است. در کشورهای کاملاً صنعتی، افزایش درآمدها، علت جذب شرکت‌های چندملیتی بوده است. در کشورهای در حال توسعه دسترسی به نیروی کار ارزان، بسیاری از شرکت‌ها را تحریک به ساخت کارخانجات جدید و مراکز مونتاژ نموده است.

اوایل، اغلب کشورها استقبال شایانی از شرکتهای چندملیتی نمودند زیرا تصور می‌کردند که با چنین سرمایه‌گذاری خارجی نیاز مبرم به کاربرطرف می‌شود، بطور کلی صنعت رونق می‌گیرد و احتمالاً در صورت صادرات محصولات شرکت به خارج، ارزش خارجی وصول می‌شود. اما اخیراً، جریانات علیه شرکت‌های چندملیتی تغییر مسیر داده‌اند. در حال حاضر به شرکتهای مذکور با شک و تردید زیادی نگرسته می‌شود. آنها که روزگاری فرشتگان نجات محسوب می‌شدند اکنون در صحنه‌های بین‌المللی شاید تلقی می‌شوند.^{۶۵}

به دلایل مشروحه زیر، کشورهای میزبان در حال حاضر فعالیت میهمانان خود یعنی چندملیتها را محدود می‌کنند. اکثر کشورهای در حال توسعه، تنها در صورتی اجازه سرمایه‌گذاری جدید را می‌دهند که به شکل مشارکت باشد. این بدان معنی است که سرمایه‌داران بومی یا موسسات دولتی می‌بایست در مالکیت و حتی اداره و مدیریت این شرکتهای مشارکت داشته باشند. برخی

دیگر از کشورها همچون هند و نیجریه، شرکت‌های خارجی از پیش شناخته شده را مجبور به کاهش سهام خود تا درصد معینی مثلاً ۶۰ یا ۴۰ درصد کل سرمایه شرکت می‌کنند.^{۶۸}

تلاش‌های گوناگونی در سطح بین‌المللی برای تنظیم فعالیت شرکت‌های چند ملیتی صورت پذیرفته است که شایسته‌ترین آنها دستورالعمل سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (اِاسد) در خصوص شرکت‌های چند ملیتی است: [دستورالعمل] مذکور نوعی کتابچه راهنما است که چگونگی رفتار شرکت‌ها در جامعه را توضیح می‌دهد. دستورالعمل مذکور اختیاری بوده و ضمانت اجرای قانونی ندارد.^{۶۹}

در اغلب موارد بحران میان کشورهای میزبان و شرکت‌های چند ملیتی اجتناب‌ناپذیر است، چه آنکه وجود شرکت‌های مذکور تهدیدی علیه حاکمیت و اقتدار ملی محسوب می‌شود.

شرکت چند ملیتی عظیم و ثروتمند است و معمولاً در صناعی که ورود به آن صعب بوده و حائز اهمیت حیاتی است همچون، صنایع کامپیوتر، شیمیایی و اتومبیل به فعالیت می‌پردازد. مهم‌تر از همه، هدف اصلی شرکت چند ملیتی عبارت از این است که فعالیت‌هایش را در سراسر جهان سازماندهی کند تا سهم خود را از منافع و بازار جهانی به حداکثر برساند. هر شعبه شرکت چند ملیتی قسمتی از یک شبکه بین‌المللی از شعب فرعی است. تمامی این شعب برای هم‌کار متقابل انجام می‌دهند. هر بخش به تمامی قسمت‌ها سرویس می‌دهد. کنترل مرکزی شبکه - اداره مرکزی شرکت چند ملیتی - تحت کنترل کشور میزبان نمی‌باشد. اداره مذکور غالباً هزاران مایل دورتر از این شعب قرار گرفته است.^{۷۰}

اصولاً هر شخص حقوقی طبیعی باید دارای تابعیتی بوده و بیش از یک تابعیت نداشته باشد اما در این مورد نیز استثناء وجود دارد و در اقتصاد پیشرفته امروزی دامنه فعالیت بسیاری از شرکت‌ها چنان گسترش یافته است که با داشتن یک تابعیت واحد نمی‌توانند به نحوی که در نظر دارند فعالیت نمایند. لذا به جای تشکیل شعبه‌های متعدد در کشورهای مختلف، در هر کشوری که مایل به فعالیت و سرمایه‌گذاری در آن باشند، شرکتی فرعی ظاهراً با تابعیت آن کشور تاسیس می‌نمایند.

البته اصطلاح شرکت‌های چند ملیتی از لحاظ حقوقی اصطلاح صحیحی به نظر نمی‌رسد. زیرا اولاً موضوع به تابعیت مربوط است نه به ملیت، ثانیاً اشخاص حقوقی نیز همانند اشخاص طبیعی

حتی با داشتن بیش از یک تابعیت، فقط دارای یک تابعیت موثر می‌باشند. ولی امروزه با پیشرفت تجارت بین‌المللی و موقعیت شرکت‌های بزرگ و عمده شرکت‌های چند ملیتی واقعی غیرقابل انکار می‌باشند که در هر کشوری که تماایل به فعالیت داشته باشند به جای تشکیل شعبه که معمولاً تحت نظر و با سرمایه شرکت اصلی اداره می‌شود، یا یک شرکت فرعی باتابعیت کشور موردنظر تشکیل می‌دهند و این شرکت فرعی دارای سرمایه و بدهی و هیأت مدیره جداگانه ای می‌باشد و یا در یک شرکتی که تبعه کشور مورد نظر است سهام می‌شوند.

هر شرکت فرعی در حقیقت فقط تابعیت کشور محل ثبت خود را دارد ولی از جهت این که شرکت اصلی دارنده سهام شرکتهای فرعی باتابعیت‌های مختلف محسوب می‌شود، مجموعه شرکتهای گوناگون چندملیتی محسوب می‌شود و هریک از شرکتهای فرعی در عین داشتن تابعیت محل ثبت از نظر مدیریت تابع اوامر شرکت مادر می‌باشند.^۷

بنابراین به نظر می‌رسد اگر همه کشورها سعی کنند مقرراتی در این زمینه وضع نمایند، این قبیل شرکتهای هرگز نخواهند توانست به حیات خود ادامه دهند. اما شاید این امر ایده آلی بیش نباشد زیرا وضع مقررات ضد تراستی برای کشورهایی که احتیاج به جلب سرمایه‌های خارجی و سود حاصل از آن دارند تقریباً غیر ممکن است. البته در این قبیل کشورها نیز می‌توان به طرق مختلف از افزایش فعالیت شرکتهای چندملیتی و دخالت آنها در اقتصاد داخلی کشورها جلوگیری نمود:

الف- محدود کردن درصد سرمایه‌گذاری خارجی

مطابق قانون گسترش مالکیت در واحدهای تولیدی هیچ واحد صنعتی نمی‌توانست بیش از ۴۹٪ سرمایه‌اش متعلق به اتباع بیگانه باشد. لازم به تذکر است که مقررات مزبور در مورد شرکتهای بازرگانی و خدماتی چنین محدودیتی را قابل نمی‌شد و این محدودیت فقط مربوط به واحدهای صنعتی بود.

ب- از دیگر راههای جلوگیری از افزایش فعالیت شرکتهای چند ملیتی برقراری مشارکت در مدیریت بین سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی می‌باشد. بدین معنی که در اساسنامه یا در قرارداد مشارکت پیش‌بینی می‌شود که تصمیمات اساسی مربوط به اداره شرکت باید باتوافق هر دو طرف داخلی و خارجی اخذ گردد.

ج- برقراری مشارکت از طریق ایجاد sister company که در این طریق دو شرکت دارای شخصیت حقوقی جداگانه می‌باشند ولی سهامداران یا اکثریت سهامداران یکی هستند.

د- ایجاد شرکت وابسته، یعنی شرکت فرعی که فقط جزیی از سرمایه اش به یک شرکت خارجی تعلق دارد.

از آن جا که شرکتهای چند ملیتی همان طور که اشاره شد در هر کشوری تابعیت همان کشور را برای شرکت فرعی خود کسب می‌کنند اصولاً نمی‌توانند از حمایت سیاسی برای حمایت از اموال شرکتهای فرعی خود استفاده کنند و به همین دلیل اقدام به همکاریهای اقتصادی با یکدیگر می‌کنند که این امر اغلب موجب دخالت در سیاستهای داخلی کشور می‌گردد.^۷

بنابراین هر کشوری باید در مقابله با قدرت شرکتهای چندملیتی از حقوق داخلی خود استفاده کند و از طرفی وضع مقررات آتی تراسیتی در بعضی کشورها باعث می‌شود شرکتهایی که با فعالیت مشابه دارای منافع متضادی، در کشورهایی مثل ژاپن و آلمان که چنین مقرراتی را وضع نموده‌اند، می‌باشند، در سطح بین‌المللی و در کشورهایی که چنین مقرراتی را فاقد می‌باشند، ایجاد انحصار نمایند.

لازم به تذکر است که شرکتهای چند ملیتی در حال حاضر چنان اهمیت فوق‌العاده‌ای در سطح بین‌المللی یافته‌اند که موضوع بسیاری از مقالات و کتب را به خود اختصاص داده‌اند.^۸

شرکت‌های چند ملیتی با توجه به اهدافشان نفوذ زیادی را در بخش سلامت و پزشکی و خصوصاً صنایع دارو سازی و غذایی دارند و اقدامات حقوقی و اخلاقی زیادی را در این مورد انجام می‌دهند که در این کتاب بدان‌ها اشاره خواهد شد. صنعت داروسازی و به ویژه شرکت‌های بزرگ فراملینی مقادیر عظیمی از اطلاعات را تولید و ساماندهی می‌کنند. بسیاری از این مطالب، سری باقی می‌مانند یا تنها در اختیار نهادهای نظارت و بازرسی و قانونگذار (مثل FDA آمریکا) قرار می‌گیرند. بخش کوچکی از این اطلاعات در اختیار عموم قرار می‌گیرد که عمده این بخش را، کارآزمایی‌های بالینی منتشر شده، مطالب تبلیغاتی و توصیه‌های درمانی بی‌طرفانه، با مخاطب تجویز کنندگان و بیماران تشکیل می‌دهند. بطور کلی شرکت‌های دارویی فراملیتی از طریق سرمایه‌گذاری در پژوهش، اثر مهمی بر جهت‌دهی پژوهش‌های پزشکی دارند و از طریق فعالیت‌های آموزشی و تبلیغاتی خود نیز احتمالاً بیشترین نفوذ فردی را بر تجویز داروها اعمال

می‌نمایند. در اغلب موارد این شرکتها بعنوان منبع تامین کننده اکثر کنفرانس‌های بین‌المللی و بزرگ و تحقیقات بخش سلامت عمل می‌کنند و تمامی وسایل کمک آموزشی پزشکی را بعهده دارند و بندرت می‌توان مشاهده کرد که یک دولت بتواند در برابر فشار شرکت‌های دارای درآمدهایی بیشتر از تولید ناخالص ملی کشور مقاومت کند.

خلاصه اینکه در این تحقیق هدف صحبت کردن بر علیه یا له شرکت‌های فراملیتی و پرداختن به مزایا یا مضرات این شرکت‌های معظم نیست و همه اینها به قضاوت خود خوانندگان گزارده خواهد شد تا بررسی شود.

لازم می‌دانم از راهنمایی‌ها و تشویق‌های مرکز رشد واحدهای فن‌آوری فراورده‌های دارویی دانشگاه علوم پزشکی تهران، شرکت سهامی توزیع دارو پخش، معاونت پژوهشی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش، ماهنامه دارویی رازی و همچنین شرکت داروسازی فارابی اصفهان تقدیر و سپاسگذاری نمایم.

دکتر بهزاد نجفی
دکترای داروسازی